

شیوه‌های ساخت بستر و فضای مناسب برای پرداخت معانی در قرآن

مهدی دهرامی*

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۸

یوسف اصغری بایقوت**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۳

چکیده

به همان اندازه که جنبه محتوایی قرآن متعالی است ویژگی‌های ادبی آن نیز جایگاهی والا و ارزشمند دارد. در نظرگرفتن هر یک از این دو حوزه بدون توجه به حوزه دیگر امکان‌پذیر نیست به‌گونه‌ای که اثرگذاری معانی قرآن و جنبه اعجاز آن در تلفیق این دو حوزه است. از همین منظر علمای بلاغت جنبه‌های اعجاز قرآن را به بعد معنایی و محتوایی محدود نمی‌سازند. هدف این مقاله بررسی چگونگی ساخت بستر و فضایی است که در قرآن برای پرداخت معانی ایجاد شده است. فضا سازی از ویژگی‌های اصلی هر اثر ادبی ولو قطعات کوتاه است که موجب می‌شود معانی اثر در بستری مناسب به پیش رود. ساخت فضا بیش‌تر از دیدگاه ادبی است اما در پیوند مستقیم با آیاتی است که محتوای اصلی سوره را حمل می‌کند.

کلیدواژگان: انسجام، اعجاز، توصیف، بلاغت.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جیرفت، جیرفت، ایران (استادیار).
dehrami3@gmail.com

** عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جیرفت، جیرفت، ایران (استادیار).

yousofa1539@yahoo.com

نویسنده مسئول: مهدی دهرامی

مقدمه

یکی از مباحثی که پیرامون قرآن مطرح شده جنبه اعجاز آن است. در قرآن به صورت مستقیم واژه «اعجاز» به کار نرفته و این اصطلاح بعدها رواج یافته است. «مبحث اعجاز قرآن در نیمه دوم قرن دوم آغاز شده است. در نخستین مباحث، دانشمندان مسلمان با توجه به گفته‌های مخالفان و معارضان قرآن، سعی نموده‌اند، سلامت قرآن را از هرگونه تناقض و اختلاف، چگونگی عبارات و الفاظ و تراکیب، فنون بدیع و استعارات و تشبیهات قرآن را نشان داده و عظمت قرآن را یادآوری نمایند» (مؤدب، ۱۳۷۹: ۹).

جنبه اعجاز قرآن از منظر فصاحت و بلاغت ذهن علمای اسلامی را به خود مشغول داشت و به مرور مسلمانان به سمت تبیین وجوه اعجاز قرآن از این منظر سوق یافتند. بررسی جنبه‌های بلاغی قرآن از گذشته مورد توجه و تأکید علمای بلاغت بوده است تا حدی که علوم اسلامی که تعداد آن را متجاوز از سیصد عنوان می‌دانند مستقیم یا غیرمستقیم از قرآن نشأت گرفته است (ر.ک جرجی زیدان، ۱۹۸۳، ج ۱: ۳۸). از این میان علوم بلاغی که در واقع هدف آن‌ها تبیین وجوه اعجاز هنری قرآن بود به همت افرادی مانند ابن معتمر (متوفی ۲۹۶)، ابو هلال عسگری (متوفی ۳۹۵)، عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱)، سکاکی (متوفی ۶۲۵) با الگوبرداری از جنبه‌های فصاحت قرآن به انسجام و پختگی کامل رسید و در ارزیابی آثار ادبی از جمله شعر نیز معیار قرار گرفت. کیفیت والای ادبی قرآن موجب شده علاوه بر ذکر مثال‌های فراوانی از قرآن در متون بلاغی سنتی مانند بدیع، معانی و بیان، بتوان در تبیین عناصر بلاغی‌ای که امروزه نیز در حوزه نقد مطرح می‌شود نمونه‌های موفقی از مثال‌های قرآنی ذکر کرد.

در این پژوهش سعی شده این کتاب آسمانی از منظر چگونگی ساخت فضا که مؤلفه‌ای اساسی در ادبیت کلام است مورد بررسی واقع شود. هر معنایی به‌خصوص معانی متعالی و اندیشمندانه نیازمند فضا و بستری مناسب است که در آن شکوفا گردد و بتواند به بهترین و مؤثرترین وجه منتقل شود. این بستر مناسب از طریق فضاسازی ایجاد می‌شود که در هر اثری که جنبه ادبی داشته باشد از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده آن به شمار می‌رود.

مسأله تحقیق

از وجوه اصلی قرآن جنبه‌های بلاغی آن است که به این اثر کیفیتی ادبی بخشیده است. از میان این وجوه، فضا سازی از مؤثرترین جنبه‌های ادبی قرآن است که نه تنها در ادبیت این کتاب اثر داشته بلکه موجب پرداخت محتوا و معانی آن نیز شده است. مسأله اصلی این مقاله آن است که نشان دهد آیا قرآن به فضا سازی که از مؤلفه‌های مطرح شده در نقد معاصر است توجه داشته و در صورت پاسخ مثبت، چه نوع فضاهایی بر این اثر سایه انداخته و مهم‌ترین شیوه‌های ساخت بستر و فضای قرآن شامل چه مواردی است و این فضا چه نقشی در پروراندن اثرگذاری معانی و محتوا داشته است؟

پیشینه تحقیق

کیفیت ادبی قرآن از منظرهای مختلفی قابلیت بررسی و تحلیل دارد به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران علاوه بر نظریات زیباشناختی سنتی، از منظر قواعد و معیارهایی که در قرون و سده‌های اخیر مطرح شده نیز به این امر پرداخته‌اند، و جلوه‌های دیگری از وجوه ادبی این کتاب را نمایان ساخته‌اند. سید قطب در کتاب «تصویر الفنی فی القرآن» مباحثی مانند جنبه‌های زیباشناختی این کتاب را مانند تصویر و تخیل و موسیقی را با نگاهی عالمانه مورد بررسی قرار داده است. مصطفی صادق رافعی با طرح جنبه‌های اعجاز قرآن از منظر موسیقایی و اصوات و آواها و مخارج حروف، همچنین تأثیر ترتیل قرآن را بر شنونده بررسی کرده است (رافعی، ۱۹۷۳: ۲۲۰).

وحیدی مطلق و همکاران در مقاله «جلوه‌های هنری در قصص قرآن کریم» برخی از عناصر داستان مانند شخیصت پردازی و عنصر زمان و مکان را در قصص قرآن بررسی کرده و نشان داده‌اند: «داستان‌های قرآنی به شکلی کاملاً هنرمندانه و در قالب تکنیک‌های داستان پردازی و با برخورداری از عناصر جدید داستانی به شیوه خاص و منحصر به فرد نقل و گزارش شده‌اند» (وحیدی مطلق و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱). شمس‌آبادی و ممتحن مقوله توانش زبانی را در مقاله «اعجاز توانش زبانی واژگانی قرآن» مورد بررسی قرار داده‌اند. بنا به جست‌وجویی که انجام گرفت قرآن از منظر فضا سازی مورد بررسی واقع نشده است. البته برخی از علمای سنتی به مواردی اشاره کرده‌اند که

غیرمستقیم به این امر اشاره دارد. از جمله *ابی‌الاصبع* در کتاب «الخواطر السوانح فی اسرار الفواتح» به چگونگی سرآغاز سوره‌ها پرداخته و آن را در ده طبقه از جمله شروع با ثنا، سوگند، ندا، شرط و... جای داده است. سیوطی نیز به حسن آغاز سوره اشاره کرده و معتقد است: «حسن ابتدا چنین است که در اول سخن جذابیت و خوش‌نمایی بیاید... و تمامی سرآغازهای قرآن به بهترین و بلیغ‌ترین و کامل‌ترین وجوه آمده است» (سیوطی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۳۶). وی یکی از این موارد را براءت استهلال دانسته است (ر.ک: همانجا). بخش‌های آغازین سوره به خصوص براءت استهلال نقش مؤثری در ایجاد فضا سازی دارد اما همه وجوه فضا سازی نیست. از سویی این محققان تناسب فضا و معانی، انواع فضاها و کارکردهای هنری آن‌ها را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

فضا سازی ادبی

در تعریف فضا می‌گویند: «هوایی را (آرام، شوم، شاق و غیره...) که خواننده به محض ورود به دنیای اثر ادبی استنشاق می‌کند، فضا و رنگ می‌گویند» (به نقل از میر صادقی، ۱۳۸۸: ۵۳۲). این عنصر نه تنها در آثار ادبی بلکه در علوم هنرهای دیگری مانند معماری، موسیقی، نقاشی و... دارد. فضا در ادبیات «به تأثیر اثر ادبی یا هنری مربوط می‌شود. در ادبیات فضا و رنگ با حالت مسلط با هر مجموعه‌ای سر و کار دارند که از صحنه، توصیف و گفت‌وگو تشکیل می‌شود و علاوه بر جزئیات جسمانی و روانی آن مجموعه، تأثیر مفروض بر خواننده را هم در بر می‌گیرد» (داد، ۱۳۸۰: ۳۶۱). اگرچه فضا را به عنوان یکی از عناصر داستان در متون روایی و داستانی بررسی می‌کنند اما در هر اثری که جنبه ادبی داشته باشد اهمیت دارد و قابل بررسی است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های فضا سازی تأثیر بر مخاطب است و معنا برای تأثیر گذاری و نقش بستن در ذهن مخاطب نیازمند فضای مناسب است؛ چه این معنا در قالب روایت بیان گردد و چه به صورت توصیفی.

فضا معمولاً محیط کلی و حاکم بر یک بخش و یا همه بخش‌های اثر است و مخاطب با مطالعه بخشی از آن خود را در فضایی خاص احساس می‌کند؛ و نه تنها حس بیگانگی نسبت به اثر نخواهد داشت بلکه معانی و گزاره‌هایی که در هر اثر آمده به صورت عمیق و

مؤثری در ذهن او رسوخ می‌کند. فضاهایی که در هر اثری حس می‌شود به اقتضای موضوعات و معانی و اغراضی که خالق آن اثر در ذهن متنوع و گوناگون است. عناصر مختلفی همچون جنبه‌های موسیقایی، دایره واژگانی، تصویر، لحن، نحو و زبان در ساخت فضا نقش دارند و معنا را در خود می‌پروراند.

انواع فضا در قرآن و شیوه ساخت آن

قرآن از منظر موضوعی بسیار گسترده است تا حدی که از گذشته این اندیشه مطرح بوده که: «هیچ چیز در عالم نیست مگر اینکه در کتاب خداوند هست» (سیوطی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۹۶). هرچند این دیدگاه از جنبه‌های مختلفی مورد بحث و بررسی واقع شده اما حاکی از آن است که در قرآن از موضوعات فراوانی سخن رفته است و احکام، داستان‌ها و موضوعات مختلفی در آن درج شده که هر یک از آن‌ها نیازمند فضای خاصی برای پروراندن شدن است. موضوعاتی مانند وصف بهشت، دوزخ، قیامت، دعاها، نفرین، داستان‌های مختلف، مباحث اخلاقی، دعوت به توحید و یکتاپرستی و صدها موضوع دیگر، هر یک در فضایی متناسب تبیین شده و گاه چندین آیه در راستای ایجاد فضا سازی قرار گرفته تا معنایی برجسته گردد و به صورت عمیق‌تری در ذهن مخاطب رسوخ یابد.

در سوره‌های کوتاه به خصوص جز سی‌ام معمولاً فضا یکسان است اما در سوره‌های بلند مخاطب خود را در فضاهای مختلفی حس می‌کند و همین امر او را از یکنواختی و کسالت رهایی می‌بخشد. فضاهای ایجاد شده در قرآن بسیار متنوع است و در ساخت آن‌ها عناصر مختلفی نقش دارند. برخی از مهم‌ترین فضاهای این کتاب و مؤلفه‌های سازنده آن در ادامه آورده می‌شود.

فضای پرتنش و پراضطراب

در بخش‌هایی از قرآن گاهی به اقتضای معنا یا موقعیت روایی داستانی، فضایی پرتنش و پراضطراب حس می‌شود و از این طریق اغراض محتوایی مؤثرتر منتقل می‌شود. از جمله این فضاها هنگامی است که قیامت وصف می‌شود. گاه این فضا از همان

ابتدای سوره به وجود می‌آید و مخاطب با خواندن اولین آیه خود را در فضایی خاص حس می‌کند. آنچنان که در سوره «زلزله» دیده می‌شود:

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۖ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾ (زلزال/ ۱-۲)

در این دو آیه موسیقی بیش از عناصر دیگر در فضا سازی نقش داشته است چراکه با طنین‌ها و ضرب‌آهنگ‌هایی که در متن می‌پراکند حال و هوایی خاص و متناسب با موضوع را تقویت می‌کند. تکرار حروف و واج‌آرایی بدون آنکه در فضا سازی نقش داشته باشد و معنا را پرورده سازد چندان اهمیتی ندارد؛ بلکه هنگامی بعد ادبی می‌یابد که با فضا سازی مناسب معنا را به صورت غیرمستقیم تبیین سازد. در قرآن موسیقی یکی از محمل‌هایی بوده که عاطفه و معنا را انتقال داده و در واقع جزئی از معنا شده است. «کلمه "زلزال" مانند کلمه "زلزله" مصدر و به معنای نوسان و تکان خوردن پی در پی است، و اینکه این مصدر را به ضمیر زمین اضافه کرد، و فرمود «زمین زلزله‌اش را سر می‌دهد» به ما می‌فهماند که زمین زلزله‌ای خاص به خود دارد، و این می‌رساند که زلزله مذکور امری عظیم و مهم است، زلزله‌ای است که در شدت و هراسناکی به نهایت رسیده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۸۱).

در این دو آیه نیز تکرار صامت‌های «ز، ل» لرزش را تداعی کرده است. تکرار مصوت بلند «ا» به خصوص در فواصل فضا را پر آشوب‌تر ساخته و برخاستن انسان از قبور و به پا شدن واقعه را تداعی کرده است. تکرار مصوت «ا» بیانگر تداوم زلزله را نیز نشان می‌دهد چنانکه برخی از مفسران در تفسیر آیه سوم این سوره گفته‌اند: «این آیه نشان می‌دهد که بعد از زنده شدن انسان‌ها نیز زلزله ادامه خواهد داشت تا انسان با کمال تعجب و دهشت بگوید «چه شده بر زمین چرا این طور می‌لرزد؟!»» (قریشی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۳۱۸).

مخاطب با این تمهیدات ولو آنکه معنا را درک نکند خود را در حال و هوایی پراضطراب و پرجنب و جوش حس می‌کند. در آیه دوم نیز آنچنان که برخی مفسران گفته‌اند اعاده لفظ زمین و اظهار آن به جای اضمار برای تهویل و زیادت تقریر و تأکید است (رک ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳: ۴۳۳؛ الزحیلی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۳۵۸). در استمرار این فضا، در آیه سوم جملات خبری به انشایی و استفهامی مبدل می‌شود که همین امر ناگهان بهت انسان را نشان می‌دهد: ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ (زلزال/ ۳) این استفهام سبب می

شود فضای تهویل و اضطراب ادامه یابد و از سویی انسجام متن را حفظ نماید. این فضا سازی‌ها ارزشی بلاغی یافته و به عنوان بستری است که آیات پایانی را تبیین سازد:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٢٥﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٢٦﴾﴾

در دو آیه آخر فواصل تغییر یافته تا از این طریق برجستگی بیش‌تر بیابد. در واقع علاوه بر آنکه فضا سازی در این سوره به خوبی انجام گرفته، بعد بلاغی دیگری یافته تا معنایی که در پایان سوره آمده تقویت شود. بیان آموزه اخلاقی به صورت ناگهانی و بی‌مقدمه اثر کم‌تری دارد و در این سوره مخاطب با قرار گرفتن در این فضا نوعی هراس در وجود او حاصل می‌شود و برای پذیرش عمیق گزاره آماده می‌شود. در این آیه خداوند جزای اعمال نیک را قبل از جزای اعمال بد آورده؛ این امر علاوه بر اینکه اشاره لطیفی به این نکته دارد که رحمت خداوند همواره بر غضب وی سبقت دارد از سویی متأخر آوردن جزای اعمال بد انسجام کل سوره را در ارتباط با فضای هول و اضطراب همچنان محفوظ می‌دارد. این ویژگی در سوره قارعه نیز به همین صورت است.

در سوره «القارعه» که در وصف قیامت است سوره با واژه کوبنده و پرتنین «القارعه» شروع می‌شود. این موضوع همچون صدای طبل، فضایی متناسب با موضوع ایجاد می‌کند. این فضا با سه بار تکرار این واژه استدامت آن صدای هولناک را بیش‌تر تقویت می‌کند:

﴿الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾﴾ (۱۰۱/۱-۳)

در این بخش موسیقی واژه که حس شنیداری مخاطب را درگیر می‌سازد مهم‌ترین عامل فضا ساز است. در ادامه با مدد تصویر سازی مناسب، پریشانی و پراکندگی را به صورت دیداری به فضا افزوده می‌شود:

﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿١﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٢﴾﴾ (۱۰۱/۴-۵)

این تصویر که طرفین آن محسوس است دورنمایی از صحنه را نمایان می‌سازد و مخاطب را بیش‌تر در حال و هوای سوره قرار می‌دهد. باز از همین نوع است سوره «الحاقه» که با ضرب‌آهنگی مانند سوره «القارعه» آغاز شده که در این سوره نیز سه بار «الحاقه» در آیات اولیه در فواصل آمده است:

﴿الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾﴾ (۱۰۱/۶۹-۳)

در ادامه با اشاره به هلاک شدن قوم ثمود و طوفانی که قوم عاد را نابود ساخت و تصویر محسوسی که در آیه هفتم آمده فضا پراضطراب‌تر شده است:

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٣١﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٣٢﴾ وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٣٣﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٣٤﴾﴾

از انواع فضاهای دیگری که در این راستا قرار می‌گیرند فضای اعتراضی است که نوعی تنش و اضطراب به وجود می‌آورد. فضای اعتراضی هنگامی است که خداوند به کافران و منکران نهیب می‌زند؛ از آن جمله است آیات پایانی سوره قیامت که اعتراضی است به کسانی که خلقت دوباره را منکرند:

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى ﴿٣٥﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٣٦﴾ ثُمَّ زَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَمْتَطِي ﴿٣٧﴾ أُولَى لَكَ فَأُولَى ﴿٣٨﴾ ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى ﴿٣٩﴾ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٤٠﴾ أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى ﴿٤١﴾ ثُمَّ كَانَ عِلقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى ﴿٤٢﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٤٣﴾ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى ﴿٤٤﴾﴾ (قیامت / ۳۱-۴۰)

عواملی مانند لحن صریح و قاطع، کوتاهی و کوبندگی آیات، کارکرد شبه جمله‌های «أُولَى» که چهار بار به صورت متوالی آمده، و استفهامی که اغراض اعتراضی دارد همگی در ساخت این فضا نقش داشته است.

فضای پرشکوه و پرهیبت

در برخی سوره‌ها و آیات، مخاطب خود را در فضایی پرشکوه و باهیبت می‌بیند که از وصف عناصر عظیم و گسترده و پهناور خلق شده است. در برخی از آیات که خداوند قدرت و شکوه خود را بیان می‌کند چنین فضایی حس می‌شود. این نوع فضا سازی بیش از هر چیز موجب کرنش و تواضع مخاطب می‌گردد. آنچنان که در سوره «ملک» این فضا از طریق سخن گفتن از طبقات هفتگانه آسمان، ستارگان، قدرت بی‌نهایت خداوند ایجاد شده و بلافاصله، وقتی مخاطب در این فضا قرار گرفت سخن از تواضع انسان به میان می‌آید:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاطُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ۝ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَائِبًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ (۴-۱/۶۷)

بسیاری از سوره‌ها با چنین فضایی شروع می‌شود. از جمله سوره تغابن، سوره جمعه و حدید. به عنوان مثال در سوره اخیر چنین فضای پرهیبت و باشکوهی آغاز شده و با ایجاد چنین بستری در آیه هفتم گزاره‌ها و درخواست‌هایی از مؤمنان بیان شده است:

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (حدید / ۱-۲)

باز از همین نوع است آیه ۲۲ سوره بقره:

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۲)

فضای تهویل

این نوع فضا بیش‌تر در آیاتی حس می‌شود که در وصف جهنم و جهنمیان آمده است. خداوند انسان را به بهشت فرا می‌خواند و از جهنم باز می‌دارد. اینکه جهنم محلی ناگوار و ناخوشایند است موضوعی است که به سادگی بیان نشده بلکه در قرآن به گونه‌ای با فضاسازی تقویت شده که انسان را به صورت غیرمستقیم نیز بر حذر می‌دارد. از وجوه ادبی آن توصیفات است که همه حس‌های انسان را درگیر می‌سازد. توصیف بیش از همه عناصر دیگر در ایجاد فضا نقش دارد؛ تا حدی که برخی توصیف را «به عنوان سکوی پرش برای فضا و حال و هوا می‌دانند» (نوبل، ۱۳۸۷: ۹۸). وصف تنها مختص به عناصر دیداری نیست و توصیفات می‌توانند همه وجود مخاطب را در خود فرو ببرند که حس‌های مختلف او را درگیر خود سازند. توصیفات جهنم نیز از همین نوع محسوب می‌شود:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَسِيسُ الْمَصِيرِ ۝ إِذَا الْقُؤُوقُ فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ﴾ (۷-۶/۶۷)

در آیه دوم هم حس شنیداری (شهیق) و هم حس لامسه (تفور) را به خود مشغول کرده است. اگر آتش وصف می‌شود آتشی نیست که روشنایی و لطافت داشته باشد بلکه تیرگی همراه آن است و لهیب و سوزندگی:

﴿انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ۖ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ۗ إِنَّهَا تَرْتَبِ بِشَرِّرٍ كَالْقَصْرِ ۗ كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ﴾ (مرسلات / ۳۰-۳۳)

و باز از همین نوع است:

﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِن غُسُلِينَ﴾ (الحاقه / ۳۶)

در این آیات نیز حس بینایی و لامسه و چشایی را درگیر خویش می‌سازد. به سخن دیگر فضایی خلق شده که ناخودآگاه همه حس‌های انسان از آن وا همه خواهند داشت.

فضای چند وجهی (تاریک روشن)

نوعی فضای کلی و چندلایه بر قرآن سایه انداخته و از همین منظر هر شخص یا گروه معینی با ورود به قرآن خود را در فضایی ویژه حس می‌کند و به همین دلیل است که عرفا، مفسران، متکلمان، فلاسفه و حتی عامه مردم از متنی واحد مطابق دیدگاه خود محظوظ می‌گردند. از همان آغاز قرآن و سوره حمد فضایی کلی حس می‌شود که بر همه این کتاب سایه انداخته است. آنچه در علم بلاغت به عنوان براهت استهلال نامیده شده در واقع عنصری در ساخت فضای کلی است.

از وجوه مهم و پربسامد این نوع فضا سازی، فضایی است که از طریق تقابل ایجاد می‌شود. فضایی تاریک و روشن که هیچ‌کدام بر دیگری برتری نیافته‌اند. اگر از روشنایی گفته می‌شود بلافاصله با توصیفات و ذکر واژگانی که دلالت بر تاریکی دارند از نور و روشنایی فضا کاسته می‌شود و هر لحظه فضا میان این دو بعد در نوسان است. این فضا سازی مقدمه‌ای است برای بیان تعالیمی که مانند فضای ساخته شده دو قطبی‌اند. در سوره شمس چنین فضایی حس می‌شود که جفت‌های متقابل خورشید و ماه، روز و شب، زمین و آسمان، فجور و تقوا ذکر شده است. قسم‌های متوالی نیز بر ابهام فضا افزوده و نوعی تعلیق ایجاد کرده و مخاطب با رسیدن به آیات ۸ و ۹ به بلاغت فضا پی می‌برد و رو به روی خود دو مسیر مختلف و متقابل را مشاهده می‌کند:

﴿فَاللَّهُمَّ فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (۸/۹۱-۱۰)

در ادامه این تقابل برای محسوس شدن با داستان قوم ثمود پرورده شده که در واقع تقابل میان طغیان این قوم و ناقه (آیت خداوند) است. این نوع فضای دو وجهی از خصوصیات قرآن است که در بسیاری از سوره‌ها عذاب و بشارت، بیم و امید و تاریکی و روشنایی همراه وصف می‌شود که البته این نوع فضا متناسب با جنبه هدایتی قرآن است. از آن جمله است سوره «الطور» که وصف جهنمیان در کنار وصف بهشتیان آمده است و دو فضای متقابل در کنار یکدیگر قرار گرفته است. این هم‌نشینی موجب محسوس شدن و قابل مقایسه بودن این دو فضا شده و بر اساس تعریف به ضد، وصف یک بعد و فضا سازی آن موجب درک بهتر قطب دیگر شده است:

﴿قَوْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۗ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۗ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعْوًا

ۗ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تَكْذِبُونَ ۗ أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ (الطور / ۱۱-۲۶)

باز از همین نوع است سوره‌های غاشیه، بلد و لیل که نوعی فضای متقابل در آن حس می‌شود.

فضای روشن و فرح بخش

این فضا بیش‌تر در آیاتی حس می‌شود که در وصف بهشت آمده است. فضایی روشن و گسترده و وسیع که بیش از هر چیز از طریق توصیفات متوالی و حقیقی ساخته شده است. منظور از وصف حقیقی آن است که یک پدیده آنچنان که هست وصف می‌شود و اینگونه نیست که برای نشان دادن آن برخی از ویژگی‌های پدیده را به ویژگی‌های پدیده دیگری ارجاع داده شود، و به سخن دیگر استعاره و مجاز و کنایه فراوانی به کار گرفته شود.

اگرچه استعاره و وجوه دیگر تصویر اهمیت زیادی دارند اما استفاده زیاد از آن‌ها موجب پریشانی فضا می‌شود و مانع شکل‌گیری فضایی محسوس در ذهن مخاطب می‌شود زیرا طرف دوم تصویر به چیزهایی اشاره دارد که در صحنه موجود نیست. در وصف بهشت در قرآن، توصیفات اصلی که عامل مهمی در فضا سازی است جایگاه والایی دارد. به عنوان مثال در این آیات:

﴿وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾ مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا
زَمَهْرِيرًا ﴿(انسان / ۱۲-۱۳)

جز تشبیه جوانان بهشتی به لؤلؤ که آن هم دقیقاً متناسب با فضای وصف شده است، همه توصیفات حقیقی و غیرارجاعی است. دیبای سبز، حریر سطر، نقره خام، شراب گوارا، سایه درختان، بهشتیانی که بر تخت تکیه زده‌اند، درختانی پر از میوه، چشمه‌ای که جاری است و ... همه در هیأت حقیقی خود به کار رفته‌اند و همین امر موجب محسوس شدن و انسجام فضا شده؛ به گونه‌ای که هر وصف، دیگری را تقویت کرده است و دورنمایی از آن را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. بلافاصله در آیات بعد، آموزه‌ای اخلاقی بیان شده و به سخن دیگر این فضا ارزش بلاغی - تعلیمی یافته و هنگامی که مخاطب در چنین فضایی روشن و خوشایندی قرار گرفت آموزه نیز ارائه می‌شود:

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آئِمًّا أَوْ كَفُورًا﴾ ﴿وَإِذْ كَرَّمْنَا نَبِيَّكَ بِكُرْسِيِّ وَاصِيلًا﴾
﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾

فضای تسلی و تسکین

این فضا، فضایی تسلی‌بخش و مملو از امید و بشارت‌هایی است که بر تحقق آن وعده داده شده است. هرچند در بسیاری از آیات این فضا دیده می‌شود اما در برخی سوره‌ها مثل «فتح» نمود کاملی دارد. سوره فتح که عنوان سوره نیز گواه آن است با چنین فضایی آغاز می‌شود:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ (فتح / ۱)

در آیه دوم از بخشیده شدن گناهان و تکمیل نعمت‌ها سخن گفته شده و در آیه سوم نیز به نصرت شکست ناپذیر خداوند اشاره شده است:

﴿يُغْفِرْ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا
مُسْتَقِيمًا﴾ ﴿وَيُنصركَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا﴾

در ادامه نیز از قدرت خداوند سخن رفته تا تحقق این وعده‌ها ملموس گردد و همین امر فضای تسکین و تسلی‌بخشی بر متن حاکم ساخته است. در ادامه سوره بشارت ورود مؤمنین به بهشت و وصف آن آمده و فضایی روشن و امیدوارانه ایجاد شده است. در

بخش‌های دیگر این سوره نیز باز وعده‌هایی بیان شده تا در سراسر این سوره فضای اولیه استمرار یابد؛ آنچنان که در آیات ۱۶، ۱۸، ۲۰ و ۲۷ بشارت‌های دیگر آمده است. همین ویژگی در پایان سوره نیز ذکر شده است. در آیه ۲۹ با ذکر تمثیلی که مراحل رشد گیاه از دانه تا درخت سطر و محکم وصف شده این فضا محسوس‌تر شده است. در چنین فضایی گزاره‌هایی نیز آمده که موجب برجستگی و اثرگذاری آن شده است. آنچنان که در آیه ۹ خواست‌های خداوند مبنی بر یاری رساندن به دین او و تسبیح خداوند بیان شده است:

﴿لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾

فضاهای روایی به هم پیوسته

علاوه بر آیات و سوره‌هایی که به صورت توصیفی است، بخش مهمی از قرآن شامل داستان‌هایی از پیامبران پیشین است. فضا در این داستان‌ها به اقتضای موقعیت روایی متفاوت است و در هر کنش و حادثه‌ای فضایی مختص آن حادثه روایی ایجاد شده است. به عنوان مثال در سوره «طه» که بخش اعظم آن به داستان حضرت موسی(ع) اختصاص یافته است. گفت‌وگو از مهم‌ترین مؤلفه‌های فضا ساز این سوره است. این عنصر از نظر لحن، شخصیت‌پردازی، تقابل، بیان اندیشه و دیدگاه و عناصری دیگری که در بطن خود دارد می‌تواند علاوه بر بیان گزاره‌های گوناگون، فضایی عینی و طبیعی ایجاد کند. ابتدا و انتهای سوره خطاب خداوند به پیامبر(ص) است اما داستان حضرت موسی(ع) چنان در دل سوره واقع شده که مخاطب را وارد فضای داستانی می‌سازد. پیشبرد روایت در این سوره بر عهده گفت‌وگو است و چنان پاره‌های گفت‌وگو در هم تنیده شده که جنبه اعجاز قرآن از حیث ایجاز نمایان می‌گردد. مثلاً در آیات ۴۷ تا ۴۹ که ابتدا خطاب از خداوند به حضرت موسی(ع) مبنی بر رفتن به نزد فرعون آمده، در پاسخ ناگهان خطاب از زبان فرعون می‌شنویم و این خود گواه یافتن انشراح صدر حضرت موسی(ع)، رفتن او به نزد فرعون و رساندن فرمان خداوند و شنیدن پاسخ است و این معانی با آنکه نیامده از طریق در هم تنیده شدن پاره‌های گفت‌وگو درک می‌شود:

﴿فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾﴾
 قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَىٰ ﴿٤٩﴾﴾ (طه / ۴۷-۴۹)

به اقتضای گفت و گوها، و لحن هایی که وجود دارد فضا نیز تغییر یافته است. در گفت و گوی خداوند با حضرت موسی (ع) لحن کلام فضایی صمیمی به متن بخشیده است:

﴿وَمَا تَلِّكَ بِمِثْلِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَىٰ أَلُوكَ عَلَيْهَا وَأَهْسُ بِهَا عَلَيَّ غَمِّي وَلِي فِيهَا مَارِبٌ أُخْرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقَهَا يَا مُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٢١﴾﴾ (طه / ۱۷-۲۱)

در آیه ۱۸ به جای توصیف مستقیم، این عنصر ادبی مهم و فضا ساز در دل گفت و گو آمده است. این فضا به مرور تغییر می یابد و نوعی فضای التهاب آلود که آن هم از طریق گفت و گو خلق شده بر آیات حاکم می شود. از یک سو خداوند حضرت موسی (ع) را آرامش می دهد و از سویی دیگر در لحن موسی (ع) نوعی اضطراب دیده می شود:

﴿قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْعَىٰ ﴿٢٢﴾﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٢٣﴾﴾

این دو نوع لحن، که موجب هول و ولای روایت نیز شده نوعی فضایی ملتهب ایجاد کرده، مخاطب را به خود جذب می کند و دورنمایی از دشواری رسالت موسی (ع) را نمایان می سازد. این نوع فضا سازی در بسیاری از سوره های قرآن از جمله قصص نیز دیده می شود.

نتیجه بحث

ساخت فضا از مهم ترین وجوه ادبی محسوب می شود که وجود آن برای هر اثری ولو کوتاه ضروری است. این عنصر موجب درگیر شدن مخاطب با اثر و انتقال دقیق تر و عمیق تر معانی و احساسات به مخاطب می شود. در قرآن نیز این عنصر نقش مؤثری در تعالی هنری و ادبی و کیفیت انتقال معانی دارد. در سوره های کوتاه معمولاً فضایی منسجم تا پایان آن حس می شود اما در سوره های بلند به اقتضای معانی و موضوعات مختلف فضاها نیز مختلف است و این موضوع موجب تنوع این اثر شده است. فضاها

قرآنی در راستای تبیین موضوعات مطرح‌شده قرار گرفته و جنبه‌ای بلاغی یافته و گزاره‌های مختلف در بستر مناسبی که از طریق فضاسازی ایجاد شده پرورش یافته است. آنگاه که سخن از قدرت خداوند است فضایی باشکوه و پرهیبت حس می‌شود و آنگاه که از جهنم سخن می‌رود فضایی تیره و ناگوار بر این آیات حاکم می‌شود. ساخت این بسترهای فضاسازی موجب انتقال عمیق معانی و گزاره‌های قرآنی شده است. علاوه بر آن فضاهای پرتنش، مبهم، روشن و رؤیایی و... نیز وجود دارد. این فضاها به طرق مختلفی مانند توصیفات (متناسب با حس دیداری، شنیداری، لامسه و...)، موسیقی، لحن و واژگان متناسب ایجاد شده و حس‌های مختلف مخاطب را درگیر خود ساخته است.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمدطاهر. بی تا، **التحریر والتنویر**، بیروت: تاریخ العربی.
- الزحیلی، دوهبه بن مصطفی. ۱۴۱۸ق، **التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج**، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- داد، سیما. ۱۳۸۰ش، **فرهنگ اصطلاحات ادبی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مروارید.
- رافعی، مصطفی صادق. ۱۹۷۳م، **اعجاز القرآن والبلاغة النبویة**، بیروت: دار الکتب العربی.
- زیدان، جرجی. ۱۹۸۳م، **تاریخ آداب اللغة**، بی جا: دار المكتبة الحیة.
- سید قطب. بی تا، **تصویر الفنی فی القرآن**، بیروت: دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. ۱۳۹۱ش، **الإتقان فی علوم القرآن**، چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، علامه محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قریشی، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **أحسن الحدیث**، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- مؤدب، رضا. ۱۳۷۹ش، **اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام**، قم: احسن الحدیث.
- میرصادقی، جمال. ۱۳۸۸ش، **عناصر داستان**، چاپ ششم، تهران: سخن.
- نوبل، ویلیام. ۱۳۸۷ش، **تعلیق و کنش داستانی**، ترجمه مهرنوش طلائی، اهواز: انتشارات رسش.

مقالات

- وحیدی مطلق، مهدی و همکاران. ۱۳۹۳ش، «**جلوه‌های هنری در قصص قرآن کریم**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۰۹-۱۲۸.